

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۲/۲۹

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۸/۲۹

محمدعلی کبیری^۱، علی‌رضا رازقی^۲، یحیی نقی‌زاده محجوب^۳

علت‌شناسی بروز تقاضاهای اجتماعی در خروج میراث معماری از فهرست آثار ملی ایران بررسی موردی: تقاضاهای مالکان بناهای تاریخی در بافت تاریخی شهر تهران طی دهه گذشته^۴

چکیده

فرآیند حفاظت از میراث معماری علاوه بر مرتبط بودن با مباحث فنی و کالبدی، با وجوه مختلف فراکالبدی همچون جنبه‌های اجتماعی ارتباط تام دارد. بنا بر شواهد موجود، بافت تاریخی شهر تهران شاهد تهدیدهای جدی در زمینه مواریث معماری ملی مبتنی بر ابطال عملیات ثبت بناها از فهرست آثار ملی از سوی مالکان و بهره‌برداران آنها بوده است. فرضیه پژوهش حاضر از یک سو بر وجود ضعف در ابعاد شناختی مالکان بناهای باارزش تاریخی فرهنگی نسبت به اهمیت حفظ میراث معماری تأکید دارد و از سویی دیگر به ضعف در هماهنگی، هم‌پیوندی و پوشش لازم میان «سیاست‌ها و قوانین و مقررات حفاظت از میراث معماری» با «نیازها و خواسته‌های صواب مالکان بناهای تاریخی» اشاره می‌کند. لذا پژوهش حاضر در صدد شناخت علل بروز تقاضاهای مالکان و بهره‌برداران بناهای ثبتی جهت ابطال عملیات ثبت میراث معماری تحت تملک خود از فهرست آثار ملی در قالب موردپژوهی شهر تهران بوده است. هدف این پژوهش ناظر به ارتقای کیفیت فرآیند حفاظت مبتنی بر رفع و یا کاهش مسائل مرتبط در حوزه اجتماعی است. یافته‌های حاصل از بررسی‌های به‌عمل آمده در این مقاله بیانگر آن است که علل مختلفی در بروز تقاضاهای اجتماعی ذکر شده نقش دارند که از جمله مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: ضعف در شناخت و آگاهی مالکان نسبت به چرایی و چگونگی حفظ مواریث معماری، ضعف در توجه به نیازها و مشکلات ذی‌نفعان از جانب نهادهای متولی حفاظت، ضعف در جامعیت قوانین و مقررات مرتبط با موضوع و فقدان سیاست‌های تشویقی برای مالکان بناهای واجد ارزش تاریخی و فرهنگی.

کلیدواژه‌ها: تقاضاهای اجتماعی مالکان، میراث معماری، ثبت آثار ملی، بافت تاریخی تهران.

^۱ کارشناس ارشد مرمت و احیاء بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه هنر، استان تهران، شهر تهران

E-mail: 0061676063.mohali@gmail.com

^۲ استادیار گروه آموزشی مرمت و احیاء بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه هنر، استان تهران، شهر تهران (نویسنده مسئول مکاتبات)

E-mail: Razeghi@art.ac.ir

^۳ کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، مدیرکل حقوقی و مطالعات تطبیقی وزارت دادگستری

E-mail: y.n.mahjoub@gmail.com

^۴ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد محمدعلی کبیری با عنوان «علل بروز تقاضاهای اجتماعی در خروج میراث معماری از فهرست آثار ملی» به راهنمایی دکتر علی‌رضا رازقی و مشاوره یحیی نقی‌زاده محجوب در دانشگاه هنر است.

مقدمه

میراث تاریخی و فرهنگی از جمله آثار معماری با توجه به ویژگی‌ها و ارزش‌هایی که دارند، نیازمند محافظت هستند. حفاظت در تعریف ایکوموس^۱ تطویل عمر میراث فرهنگی و در صورت امکان شفاف کردن پیام‌های هنری و تاریخی ملحوظ در آثار بدون از دست دادن اصالت و معانی آنها است (یوکهپلیتو، ۱۳۸۷، ۳۴۷). سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به‌عنوان متولی اصلی صیانت از موارث فرهنگی کشور، وظیفه حفظ میراث فرهنگی و ارزش‌های مرتبط را عهده‌دار است. در این خصوص سازمان مذکور به استناد «قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب سال ۱۳۰۹ شمسی» و نیز ماده یک «قانون ثبت آثار ملی مصوب سال ۱۳۵۲ شمسی»، آثار معماری واجد ارزش را پس از طی مراحل پیش‌بینی شده و تشریفات اداری مربوطه در فهرست ملی به ثبت می‌رساند. پس از ثبت اثر معماری در فهرست آثار ملی، اثر ثبت شده به‌صورت قانونی تحت نظارت سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری درآمده، مشمول ضوابط و مقررات حفظ آثار ملی می‌گردد. آنچه که در یک دهه اخیر در بسیاری از شهرهای تاریخی ایران و از جمله تهران تاریخی در خصوص برخی از بناهای تاریخی ثبت شده در فهرست آثار ملی اتفاق افتاده، تهدید و تخریب این آثار توسط مالکان و بهره‌برداران آنها توأم با بروز تقاضای خروج بناهای تاریخی از فهرست آثار ملی ایران بوده است که طبیعتاً این مسئله از علل مختلفی نشئت گرفته است. ضعف جدی حمایت‌های قانونی و سیاست‌های تشویقی و نبود معیاری برای طبقه‌بندی و اولویت‌گذاری آثار ثبتی، ضعف در رسیدگی و پایش میراث معماری ثبتی توسط مسئولان ذی‌ربط، مشکلات و نارضایتی‌هایی در بین برخی از مالکان این آثار به‌وجود آورده است، تا جایی که در مواردی منجر به پیگیری موضوع از طریق مراجع اداری و قضایی و تنظیم شکایات متعدد علیه سازمان میراث فرهنگی، شهرداری، وزارت راه و شهرسازی و غیره گردیده است. این اقدامات در بالاترین سطوح اداری و قضایی ادامه یافته، حتی در مواردی دیوان عدالت اداری پس از رسیدگی، حکم ابطال تصمیمات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری را صادر نموده است. مسئله مطروحه ناشی از علل و عواملی است که ضرورت دارد مورد پژوهش و بررسی قرار گیرد تا به منظور نیل به حفاظت مطلوب آثار معماری ملی از طریق شناسایی علل ایجادکننده معضلات و یافتن پاسخ‌ها و راهکارهای علمی و طبقه‌بندی شده، به کاهش عوامل تأثیرگذار و آسیب‌زا در فرآیند ابطال ثبت آثار معماری منجر گردد.

بروز تقاضاهای اجتماعی مبنی بر خارج نمودن بناهای تاریخی - فرهنگی ثبت شده از فهرست آثار ملی کشور از جانب مالکان و یا سایر ذی‌نفعان^۲ از وجود مسائل و چالش‌هایی در زمینه فرآیند ثبت آثار حکایت دارد. با توجه به بررسی‌های اولیه صورت پذیرفته، فرضیه پژوهش حاضر از یک سو ناظر بر وجود ضعف در ابعاد شناختی مالکان بناهای باارزش تاریخی - فرهنگی نسبت به اهمیت میراث معماری است و از سویی دیگر به ضعف در هم‌پیوندی، پوشش و تأمین لازم میان «سیاست‌ها و قوانین حفاظت از میراث معماری» با «نیازها و خواسته‌های ذی‌نفعان بناهای تاریخی» اشاره دارد. بر این اساس، پژوهش حاضر در نظر دارد ضمن واکاوی ابعاد مختلف مسئله یاد شده، در نهایت به پاسخ این سؤال دست یابد که: «علل بروز تقاضاهای اجتماعی به منظور ابطال عملیات ثبت میراث معماری از فهرست آثار ملی در نمونه موردی پژوهش کدام‌اند؟»

پیشینه تحقیق

پیشینه حفاظت از آثار تاریخی به‌نحوی هم‌پا با هر اثر تاریخی مطرح می‌شود، چراکه حفاظت اقدامی

اجتناب‌ناپذیر برای حفظ آثار تاریخی است (ابویی و نیکزاد، ۱۳۹۶). در فرآیند حفاظت از آثار تاریخی، نوع نقش مردم و جایگاه آنها به‌عنوان مالکان و دارندگان آثار تاریخی ملی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این اهمیت به‌گونه‌ای است که نقش و جایگاه ذکر شده به‌عنوان عامل تأثیرگذار در نگهداری از بناهای تاریخی می‌تواند منجر به پویایی و یا عدم پویایی فرآیند حفاظتی گردد. مطالعات صورت پذیرفته در این زمینه نشان می‌دهند، چنانچه در این فرآیند نوع نگاه صرفاً کالبدی باشد و وجوه اجتماعی مرتبط با موضوع حفاظت از میراث معماری مد نظر قرار نگیرد، عدم تعادل حاصل بین وجوه کالبدی و اجتماعی منجر به بروز تنش‌ها و تعارض‌ها خواهد گردید (رازقی، ۱۳۹۱، ۵). توجه به نیازهای ساکنان و مردم نه تنها موجب افزایش هویت اجتماعی و فرهنگی مجموعهٔ موارث شهری و معماری می‌شود، بلکه راهکارهای مؤثر و تجربه شده برای ایجاد و بازتولید عرصه‌های عمومی و هویت از دست رفته و خاطرات زدوده شده از آنها را نیز عملی می‌نماید (حبیبی، ۱۳۸۰). امروزه توجه به موضوع مشارکت مردم در مباحث حفاظت از موارث معماری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. توجه به رویکردهای اجتماعی در فرآیندهای حفاظت از موارث معماری و شهری، چه در مقیاس نظری و چه در ابعاد عملی از قرن بیستم میلادی مورد توجه جوامع واقع گردید (Merlin, 2005, 618). این موضوع در منشورهای بین‌المللی از سال ۱۹۳۱ میلادی در آتن مورد توجه قرار گرفته است. در بیانیهٔ ایکوموس (۱۹۹۸) حقوق کلیهٔ افراد جامعه در زمینهٔ داشتن درک بهتر از میراث فرهنگی خود، استفادهٔ عاقلانه و مناسب از میراث، شرکت آزادانه در تصمیم‌گیری‌ها و تشکیل انجمن‌های حفاظتی به رسمیت شناخته شده است (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۱، ۱۵۳). در سمینار ۱۹۸۷ ایکوموس بر ضرورت و اهمیت توجه به جایگاه زندگی جاری جوامع در فرآیندهای حفاظت از موارث معماری تأکید گردیده است (Icomos-Brazil, 1987). ایجاد تعامل و تعادل توأم با شناخت میان وجوه تاریخی- فرهنگی فضاهای زندگی دیروز و نیازها و خواسته‌های متناسب با زندگی امروز، باید با حذف یا کنترل سوءبرداشت‌ها، تنش‌ها و تعارض‌های اجتماعی با رویکردهای حفاظتی صورت پذیرد. در امر حفاظت، برخوردهای ناشی از تأکید صرف بر ارزش‌های کالبدی - تاریخی در عین کم‌توجهی به نیازها و خواسته‌های مردم و جامعهٔ بومی، نشانهٔ فقدان رویکردی جامع محسوب می‌گردد (رازقی و دیگران، ۱۳۹۲). از این‌رو برقراری تعادلی پایدار میان نیازها، سیاست‌ها و روش‌های حفاظت از میراث فرهنگی از اهمیت و حساسیت ویژه برخوردار است (Ercan, 2010, 1). خواسته‌های اجتماعی و موضوع نقش و جایگاه جامعهٔ ذی‌نفعان در فرآیندهای حفاظت از میراث معماری و شهری از سال ۲۰۰۰ میلادی به بعد به‌طور ویژه مد نظر نهادها و تشکلهای برنامه‌ریز و مجری حوزهٔ حفاظت در جوامع بین‌المللی قرار گرفت، به‌نحوی که تأکید بر توانمندسازی و ظرفیت‌سازی اجتماعی توأم با رفع موانع و مشکلات مرتبط در تجارب بین‌المللی مورد توجه بوده است (Barillet, 2006). اما با این حال، درک روشنی از عوامل اجتماعی که به حفاظت از میراث معماری و شهری کمک کند به حد کافی وجود ندارد (Yung et al., 2017). در کشورهای توسعه‌یافته مشارکت همگانی نهادها و جوامع مرتبط در حفاظت از میراث معماری مورد توجه است (Hegazy, 2014) از این‌رو برای دستیابی به توسعهٔ پایدار توجه به نیازهای جامعهٔ بومی و توجه و رسیدگی به بناهای تاریخی مدنظر قرار می‌گیرد (Sigmund, 2016). در ایران میراث فرهنگی و ارزش‌های آن کماکان برای عموم جامعه به‌نحو مطلوب شناخته نشده است (رضایی و فرجی، ۱۳۹۷).

در حال حاضر با توجه به اهمیت موضوع ارتباط نقش مردم و حفاظت از موارث فرهنگی، اقدامات متعددی در مقیاس بین‌المللی و ملی در دست برنامه‌ریزی است. در ایران، سیاست‌های تشویقی از سال ۱۳۸۹ و به موجب بند «الف» از مادهٔ «۱۱۴» قانون برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران: (تهیه و اجرای طرح‌های مربوط به «حمایت از مالکان، متصرفان قانونی و بهره‌برداران آثار تاریخی - فرهنگی و املاک واقع در حریم آن‌ها» و «مدیریت ساماندهی؛ نظارت و حمایت از مالکان و دارندگان اموال فرهنگی - تاریخی منقول مجاز» تا پایان سال اول برنامه چهارم)، جزو تکالیف سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تعیین شده است و تحت عنوان طرح حمایت از مالکان، متصرفان قانونی و بهره‌برداران آثار تاریخی باید در مورد آن اقدام شود. در این طرح، حمایت‌ها غالباً به صورت کمک‌های مالی و عمدتاً در بخش استحکام‌بخشی، حفاظت و مرمت میراث معماری ثبت شده در فهرست آثار ملی بوده است. از سوی دیگر جایگاه حق مالکیت از منظر حقوق خصوصی و چگونگی تشخیص و احراز ارزش‌های معماری و تاریخی آثار از سوی سازمان میراث فرهنگی در ثبت بناهای تاریخی در فهرست آثار ملی از عوامل تأثیرگذار در تصمیمات قضات دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال تصمیم سازمان میراث فرهنگی در فرآیند ثبت آثار تاریخی است (نشست تخصصی پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۲). حقوق فردی (خصوصی) و حقوق عمومی باید متقابلاً به کمک یکدیگر بشتابند و آنچه به مثابه نیروی بی‌پایان سازنده در اختیار دارند را بین خود به اشتراک گذارند (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۱، ۱۳۳). یکی از مسائلی که میراث فرهنگی کشور در سال‌های اخیر با آن مواجه بوده و به بروز تقاضاهای اجتماعی در خارج نمودن میراث معماری از فهرست آثار ملی منجر گردیده است، پذیرش تقاضاها جهت ابطال تصمیم میراث فرهنگی در به ثبت رسانیدن بناهای تاریخی تحت تملک خصوصی از سوی دیوان عدالت اداری است. در یک دهه اخیر در سطح کشور ۸۳ شکایت در این زمینه مطرح گردیده که از این تعداد در ۵۹ مورد قضات دیوان عدالت اداری با ذیحق دانستن شاکی رأی به ورود شکایت صادر نموده‌اند. بیشترین تقاضاها مربوط به استان‌های تهران با ۲۷ مورد و در رتبه بعد خراسان رضوی با ۱۸ درخواست بوده‌اند (شادنوش، ۱۳۹۲، ۱۳۷). خانه تاریخی فهیمی در شهر تبریز، خانه مجیدنیا در مشهد، سرای عجم در خوزستان و سرای میخچی در شهر رشت از دیگر نمونه‌های بارز ابطال تصمیم سازمان در ثبت بناهای تاریخی و حذف ناگزیر آنها از فهرست آثار ملی ثبت شده در ایران است. به‌رغم مجموعه تلاش‌های صورت گرفته، همواره حدودی از تقاضاهای اجتماعی در این زمینه وجود داشته و دارد که پژوهش حاضر ناظر بر علت‌یابی بخشی از آن‌هاست.

چارچوب نظری

آثار تاریخی جوامع مختلف مکان انباشت فرهنگی و خاطرات جمعی نسل‌های گذشته بوده، در زندگی امروزی این جوامع نقش بسزایی دارند (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۱، ۱۳۱). اساساً بین آثار و اشخاص رابطه‌ای اعتباری وجود دارد، لیکن آنچه که در پژوهش حاضر مد نظر مؤلفان قرار گرفته رابطه‌ای اعتباری بین شخص و اثر (حق مالکیت) است که به موجب آن، اشخاص می‌توانند هر نوع تصرفی در ملک خود انجام دهند و مانع تصرف دیگران شوند (صفایی، ۱۳۸۸). با توجه به قاعده تسلط^۳ هر مالکی نسبت به مال خود تسلط کامل دارد و می‌تواند در آن هرگونه تصرفی اعم از مادی و حقوقی داشته باشد و هیچ‌کس نمی‌تواند بدون مجوز شرعی (و قانونی) او را از این تصرفات منع کند. البته قاعده تسلط نامحدود نیست و مالک نمی‌تواند با استناد به این قاعده، در ملک خود هر نوع تصرفی انجام دهد (توکلی، ۱۳۸۱). همچنین ذکر این موضوع لازم است که قاعده تسلط در قوانین تخصیص خورده، مالک نمی‌تواند با استناد به این قاعده، تصرف مغایر با حقوق دیگران (منافع عمومی) انجام دهد. اصل ۴۰ قانون اساسی در

این زمینه اعلام می‌دارد: «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیلهٔ اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». در قوانین راجع به حفظ آثار ملی و عتیقات نیز از سال ۱۳۰۹ شمسی بر ممنوعیت اقداماتی که به نحوی منجر به بروز خسارت در آثار ملی باشند تأکید شده است و در صورت وارد نمودن خسارت، برای مجرم مجازات لحاظ می‌گردد (فلاح‌فر، ۱۳۹۵).

البته از آنجا که ارزش‌های اجتماعی میراث فرهنگی حائز اهمیت است (Dümcke & Gnedovsky, 2013)، مالکان ابنیهٔ تاریخی به سبب حق و حقوق مالکیتی که نسبت به اثر تاریخی تحت تملکشان دارند ناچار درگیر بخشی از فرآیند حفاظت از میراث معماری خواهند شد و حفاظت کالبدی و اجتماعی به‌عنوان وجوه این فرآیند نمود پیدا می‌کنند. اگر در حفاظت به هر یک از وجوه کالبدی و اجتماعی توجه نگردد، عدم تعادل رخ می‌دهد و در نتیجه تعارضاتی را در پی خواهد داشت. سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، به‌عنوان نهاد متولی امر حفاظت از میراث معماری کشور در کنار ثبت آثار تاریخی در فهرست ملی، تبیین وجوه اجتماعی حفظ میراث فرهنگی و تاریخی را نیز به‌عنوان وظایف ذاتی و قانونی خود بر عهده دارد.

از سوی دیگر باید توجه داشت ثبت بناهایی که دارای مالک خصوصی هستند در فهرست آثار ملی محدودیت‌هایی را متوجه حقوق و تصرفات مالکان این‌گونه بناها خواهد نمود که همین امر نارضایتی‌هایی را در رفتارهای اجتماعی آنان نشان داده است. هرچند در نگاهی جامع حفاظت از میراث معماری که به‌عنوان پدیده‌های هویتی و خاطرات نسل‌های گذشته تلقی می‌شوند، امری مهم، ارزشمند و در مواردی ضروری است. لذا در فرآیند ثبت میراث معماری و در قبال تکالیف قانونی که به‌منظور حفظ آثار وضع شده و مالکان ابنیهٔ مذکور را با محدودیت‌هایی مواجه می‌نماید، وضع مطلوب و بایسته آن است که در رویکردی مکمل، سیاست‌های تشویقی و حمایتی متناسب با موضوع در نظر گرفته شود. این امر می‌تواند به‌صورت تخصیص کمک‌های مالی توسط دولت به ابنیهٔ تاریخی با توجه به اینکه هزینه‌های مرمت و نگهداری این آثار بسیار بالا است (Abdul Rashid, 2011)، همچنین مشوق‌های مالیاتی به‌عنوان یکی از مشوق‌های انگیزشی در شکل‌گیری نگرش مثبت ذی‌نفعان و جامعهٔ مرتبط با موضوع حفظ میراث معماری باشد. به‌نحوی که اگر در این خصوص، دارندگان آثار تاریخی از سیاست‌های حمایتی از قبیل بخشودگی از پرداخت مالیات‌ها و یا تخفیفات ویژه برخوردار باشند، قطعاً قالب فکری ایجاد شده در ذهنیت اجتماعی، پیش‌برندهٔ حفظ میراث خواهد بود. در کشورهای توسعه‌یافته نیز از مشوق‌های مالیاتی جهت حفاظت از آثار تاریخی بهره‌برداری می‌گردد که می‌توان به انواع بخشودگی‌ها و تخفیف‌های مالیاتی متناسب با اثر تاریخی و قدمت آن اشاره کرد (محمدی و دیگران، ۱۳۹۳). بر این اساس مالکان ابنیهٔ تاریخی با توجه به شکل‌گیری ذهنیت مثبت در قبال بناهای تاریخی تحت تملک خود، انگیزه‌ای جهت حفاظت و نگهداری از این بناها در خویش احساس می‌نمایند. بی‌توجهی به منافع اقتصادی و مالی در وضع قوانین موجود، انگیزهٔ مالکان و دارندگان بناهای تاریخی را برای حفاظت و نگهداری از آنها کاهش می‌دهد و منجر به زوال تدریجی بناها می‌گردد. در بسیاری از موارد در کشورهای اروپایی، منابع مالی توسط دولت‌ها جهت سیاست‌های تشویقی مالی به دارندگان آثار تاریخی و میراث معماری در بودجهٔ سالیانه تخصیص داده می‌شود (Cleary, 2005). همچنین حمایت‌های قانونی از مالکان بناهای تاریخی از دیگر موضوعاتی است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حق انتقال توسعه از جمله حقوقی است که حق استفاده و حق توسعهٔ املاک را از یکدیگر تفکیک می‌کند، حق هر مالک برای توسعه محدود شده و هرگونه افزایش ارزش زمین، ناشی از طرح‌های توسعه یا افزایش تراکم مستقیماً به‌عنوان حقوق جامعه به رسمیت شناخته می‌شود (Danner, 1998).

از دیگر موضوعات تأثیرگذار در فرآیند حفاظت از میراث فرهنگی، نوع شناخت و نگرش ایجاد شده در ذهن اشخاص و مالکان آثار تاریخی است. با توجه به اینکه ظرفیت‌های شناختی افراد متفاوت و دارای محدودیت‌هایی است، اغلب خواهند کوشید تلاشی را که صرف شناخت اجتماعی، یعنی شیوه تفسیر و تحلیل اطلاعات درباره جهان اجتماعی و به‌خاطر سپاری آن می‌کنند از خود بروز دهند. این امر دقت و درستی نحوه مواجهه ایشان با امور را کاهش می‌دهد (بارون، دان و نایلا، ۱۳۸۸، ۶۷). بر این اساس چنانچه استنباط مردم از ضوابط و مقررات مربوط به آثار تاریخی و میراث معماری (قوانین مربوط به ثبت بناهای تاریخی در فهرست میراث ملی)، میل به مفهوم ایجاد محدودیت، بازدارندگی و تضييع حقوق مالکانه باشد، تعارض‌های اجتماعی خاص خود را به دنبال خواهد داشت. به بیان دیگر بروز تعارض‌های اجتماعی نسبت به حفاظت از موارث معماری و شهری تابع عواملی است که منجر به آنها شده‌اند (رازقی، ۱۳۹۱، ۲۶). بر این اساس پژوهش حاضر به بررسی علل بروز تعارض‌های اجتماعی نسبت به یکی از رویکردهای حفاظت‌محور در حوزه میراث فرهنگی پرداخته است که در قالب حدودی از تقاضاهای اجتماعی در جهت تلاش برای خارج ساختن ابنیه تاریخی ثبت شده از فهرست آثار ملی ایران صورت گرفته است.

روش پژوهش

در این مقاله، مسئله بروز تقاضاهای اجتماعی جهت خارج نمودن میراث معماری از فهرست آثار ملی، به‌عنوان یک پدیده عملیاتی درخصوص حفاظت از میراث معماری مورد بررسی، واکاوی و تحلیل قرار گرفته است. روش پژوهش در این مقاله بر مبنای سنجش رفتارهای گروهی از مالکان بناهای تاریخی متقاضی خروج ابنیه تحت تملک خود از فهرست آثار ملی و همچنین بررسی نگرش‌های مرتبط بوده که با بهره‌مندی از برقراری رابطه علت و معلولی اعتبار یافته است.

در خصوص بعد رفتارسنجی این پژوهش از آن جهت که رفتارهای صورت پذیرفته افراد نسبت به موضوع میراث معماری در طی دهه گذشته با اتکا به اسناد و مدارک موجود قابل استخراج بوده است از طبقه‌بندی و تحلیل رفتارهای انجام شده قبلی مبتنی بر رویکرد مستندنگاری و احصای اطلاعات استفاده شده است. آنچه در این پژوهش، مقیاس رفتارسنج نامیده می‌شود مستندات رفتارهایی است که در قالب تقاضاهای مکتوب عینیت یافته و پس از بررسی و طبقه‌بندی، بر مبنای چارچوب نظری پژوهش مورد تحلیل واقع شده است.

در مورد بعد نگرش‌سنجی این پژوهش از آن جهت که نگرش افراد نسبت به یک موضوع مستقیماً قابل مشاهده نیست، در نگرش‌سنجی از رویکردی استنباطی استفاده می‌شود. منظور از استنباطی بودن نگرش‌سنجی این است که مباحثی مرتبط با مسئله با فرد مطرح و نظر او درباره آنها پرسیده می‌شود (مصاحبه نیمه‌ساختاریافته). آنچه در این روش پژوهش، مقیاس نگرش‌سنج نامیده می‌شود همین مجموعه نگرش‌هاست که فرد در قالب پاسخ مطرح می‌نماید. با به‌دست آوردن جمع کل پاسخ‌ها، ارزش آنها معلوم می‌شود و نشان می‌دهد نگرش افراد نسبت به موضوع چگونه است (بدار، دزیل و لامارش، ۱۳۸۷، ۹۳). بر این اساس و با توجه به نوع مسئله و سؤال اساسی مرتبط، پژوهش حاضر به شیوه استقرایی^۴ به انجام رسیده است. فرآیند استقرا ناظر به بررسی اجزای تشکیل دهنده جامعه آماری پژوهش بوده است، به‌نحوی که با بررسی پرونده‌های قضایی مربوط به مالکان بناهای تاریخی ثبت شده در فهرست آثار ملی

ایران که با مراجعه به مراجع قضایی (دیوان عدالت اداری کشور)، تقاضای ابطال تصمیم سازمان میراث فرهنگی را در ثبت اثر مطرح کرده‌اند، خروج بنای تحت تملک خود را از فهرست آثار ملی خواستار شده و مورد پیگیری قرار داده‌اند، به بررسی نمونه‌های موردی پژوهش پرداخته شده است. اطلاعات کتابخانه‌ای، اسناد و مدارک پرونده‌های ثبتی و پرونده‌های قضایی مرتبط در یک دهه اخیر در شهر تهران به‌عنوان ابزار گردآوری اطلاعات مورد استفاده قرار گرفته است. علاوه بر آن، بهره‌مندی از مصاحبه از دیگر مراتب پژوهش بوده است.

یافته‌ها و تحلیل یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش بر اساس مطالعات صورت گرفته از اسناد و پرونده‌های قضایی موجود در اداره کل حقوقی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور و نیز پرسشگری از مخاطبان گردآوری شده است. با مطالعه اسناد و مدارک قضایی و دادخواست‌های ارائه شده به دیوان عدالت اداری، در مورد پژوهی شهر تهران در یک دهه گذشته، تعداد ۱۹ شکایت از مالکان و دارندگان بناهای تاریخی که تقاضای ابطال تصمیم سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مبنی بر ثبت بنای تحت تملکشان را داشته‌اند (مطابق با جدول ۲) شناسایی شد و مورد بررسی قرار گرفت. این ۱۹ پرونده شامل پرونده‌های تعیین تکلیف شده است که در زمان پژوهش رأی دیوان عدالت اداری در خصوص آنها صادر شده بود. مؤلفان در این مقاله پس از مطالعه شکایت‌های ارائه شده توسط مالکان و بهره‌برداران آثار معماری ملی به دیوان عدالت اداری، موضوعات مورد درخواست مالکان را در چهار گروه طبقه‌بندی نموده‌اند. (جدول ۱)

جدول ۱. طبقه‌بندی مالکان بناهای تاریخی ثبت شده در فهرست آثار ملی کشور بر حسب نوع تقاضاها و شکایت‌های ایشان

گروه	نوع تقاضا و طرح شکایت
الف	تقاضای خروج اثر ثبتی از فهرست آثار ملی، به جهت تخریب و نوسازی بنا
ب	تقاضای خروج اثر ثبتی از فهرست آثار ملی، به جهت قرارگیری بنا در محدوده حریم اثر ثبتی دیگر
پ	تقاضای ابطال تصمیم سازمان در ثبت اثر و تأکید بر خروج از فهرست آثار ملی به جهت عدم تملک اثر تاریخی و یا اعطای زمین معوض از سوی سازمان متولی حفاظت از میراث معماری
ت	تقاضای خروج از ثبت فهرست آثار ملی، به جهت عدم اعطای مجوز تغییر کاربری از مسکونی به تجاری و تغییرات در ملک مورد نظر

در ادامه به تحلیل و دسته‌بندی شکایت‌های مربوط به هریک از خانه‌ها براساس گروه‌های معرفی شده فوق و با قید موارد اصلی تقاضاها و شکایت‌ها پرداخته شده است:

جدول ۲. طبقه‌بندی بناها برحسب گروه‌های معرفی شده مالکان

ردیف	نام اثر	تاریخ دادنامه	موارد اصلی تقاضا و شکایت	گروه	رای دیوان عدالت
۱	خانه نیک‌بین	دی‌ماه ۱۳۸۶	پرداخت بهای ملک و یا ملک معوض به قیمت روز توسط سازمان میراث فرهنگی، تقاضای ساخت‌وساز	الف و پ	ابطال تصمیم سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
۲	خانه رضایی	دی‌ماه ۱۳۸۶	پرداخت بهای ملک و یا ملک معوض به قیمت روز توسط سازمان میراث فرهنگی، تقاضای ساخت‌وساز و افزایش بنا	الف و پ	ابطال تصمیم سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
۳	خانه نجارپور	اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۷	عدم احراز شرایط ثبت بنا در فهرست آثار ملی - تقاضا جهت خروج بنا از ثبت و تقاضای ساخت‌وساز	الف	ابطال تصمیم سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
۴	خانه زند نوایی	شهریورماه ۱۳۸۸	اعتراض به ثبت ملک در فهرست آثار ملی - عدم احراز شرایط ثبت ملی بنا (سازمان میراث فرهنگی نتوانسته مدرکی جهت شأن ملی بودن بنا ارائه دهد)، تقاضا جهت ادامه تخریب و بازسازی بنا، تقاضا جهت تملک بنا توسط سازمان میراث فرهنگی	الف و پ	ابطال تصمیم سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
۵	خانه نوروزیان	مهرماه ۱۳۸۸	اعتراض به ثبت نمودن ملک و تقاضا جهت پرداخت بهای ملک متصرفی و یا اعطای ملک معوض از سوی سازمان میراث فرهنگی	پ	رد شکایت
۶	خانه پروین اعتصامی (خانه جبارلوئی دیزجی)	بهمن‌ماه ۱۳۸۸	اعتراض به ثبت بنا در فهرست آثار ملی و عدم رسیدگی تکلیف، در صورت دارا بودن شأن ملی رسیدگی و نگهداری بنا از سوی سازمان میراث فرهنگی، تقاضای ملک معوض، عدم احراز شرایط ثبت ملی	پ	ابطال تصمیم سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
۷	خانه اتحادیه	اسفندماه ۱۳۸۸	با توجه به تخریب ۹۰ درصدی بنا، بنای حاضر فاقد ارزش تاریخی و ملی بوده و عدم احراز شأن ملی بنا، تقاضای ابطال تصمیم میراث، اعتراض به ثبت نمودن ملک و تقاضا جهت پرداخت بهای ملک متصرفی و یا اعطای ملک معوض از سوی سازمان میراث فرهنگی	پ	ابطال تصمیم سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
۸	خانه کشفی آشتیانی	تیرماه ۱۳۸۹	تقاضای ابطال ثبت اثر از فهرست آثار ملی، تقاضا جهت تغییر کاربری از مسکونی به تجاری، تقاضا جهت تخریب ملک و احداث مجدد بنا	الف و ت	رد شکایت
۹	خانه میردامادی	آذرماه ۱۳۹۰	تقاضای ابطال ثبت اثر از فهرست آثار ملی و یا پرداخت بهای ملک	پ	رد شکایت
۱۰	خانه مغیثی	بهمن‌ماه ۱۳۹۰	پرداخت بهای ملک و یا ملک معوض به قیمت روز توسط سازمان میراث فرهنگی، تقاضای ساخت‌وساز	الف و پ	ابطال تصمیم سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
۱۱	خانه علیزاده	بهمن‌ماه ۱۳۹۰	فقدان ویژگی‌های تاریخی و ملی در بنا جهت ثبت در فهرست ملی، قرارگیری ملک آقای گلچین در حریم خانه علیزاده	ب	ابطال تصمیم سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
۱۲	خانه سمیعی زعفرندی	اسفندماه ۱۳۹۰	درخواست الزام به صدور پروانه ساخت از شهرداری منطقه ۱۲ و ابطال تصمیم سازمان میراث فرهنگی مبنی بر محدودیت ارتفاع	الف و ب	رد شکایت
۱۳	خانه آل احمد	مردادماه ۱۳۹۱	تقاضای ابطال ثبت اثر از فهرست آثار ملی و یا پرداخت بهای ملک	پ	رد شکایت
۱۴	خانه محمدکاظم صدیق	مهرماه ۱۳۹۱	تقاضا برای ابطال تصمیم میراث فرهنگی برای خارج شدن بنا از فهرست ثبتی آثار ملی به‌منظور تخریب	الف	رد شکایت
۱۵	خانه عامری‌ها	بهمن‌ماه ۱۳۹۱	عدم رعایت شرایط ثبت اضطراری بنا، تقاضا برای ابطال تصمیم میراث فرهنگی برای خارج شدن بنا از فهرست ثبتی آثار ملی به‌منظور تخریب	الف	ابطال تصمیم سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
۱۶	خانه مینایی	اسفندماه ۱۳۹۱	تقاضای ابطال ثبت اثر از فهرست آثار ملی و یا پرداخت بهای ملک	پ	ابطال تصمیم سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
۱۷	خانه جلایر خلیلی	اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۲	تقاضا جهت ادامه تخریب و بازسازی بنا	الف	ابطال تصمیم سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
۱۸	خانه عباسیان دهکردی	شهریورماه ۱۳۹۲	پرداخت بهای ملک و یا ملک معوض به قیمت روز توسط سازمان میراث فرهنگی، تقاضای ساخت‌وساز	الف و پ	ابطال تصمیم سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
۱۹	سرای دلگشا (سرای وزیر نظام)	شهریورماه ۱۳۹۲	تصمیم به ثبت در فهرست آثار ملی بدون کارشناسی، عدم احراز شرایط مربوط به ثبت آثار در فهرست ملی به‌دلیل تغییرات گسترده به‌وجود آمده در بنا، تصمیم‌گیری متعدد مدیریتی سازمان میراث فرهنگی در خصوص موضوع ثبت، تقاضا جهت ابطال تصمیم میراث فرهنگی جهت ساخت‌وساز در بنا	الف	ابطال تصمیم سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

جدول ۳. جدول فراوانی تقاضاهای ارائه شده برحسب گروه‌بندی انجام شده^۵

میزان تقاضا گروه الف	میزان تقاضا گروه ب	میزان تقاضا گروه پ	میزان تقاضا گروه ت
۱۲ نفر	۲ نفر	۱۱ نفر	۱ نفر

موضوعات و خواسته‌های ارائه شده توسط متقاضیان در مورد مدل بروز تقاضاهای خارج از ثبت آثار تحت تملک ایشان عبارت بوده است از:

- تقاضا جهت خروج از ثبت بنا (بدون ذکر نمودن اقدام و تصمیم بعدی در خصوص بنا)
- تقاضا جهت خروج از ثبت جهت تخریب و نوسازی (این دسته از مالکان به منظور تأمین نیازهای در ساخت، تقاضای ابطال تصمیم سازمان میراث فرهنگی را داشته‌اند)
- تقاضا جهت خروج از ثبت جهت تخریب و ادامه روند بازسازی (این دسته از مالکان به منظور تغییر کاربری و نیز رفع محدودیت‌های ایجاد شده جهت دخل و تصرفات در عرصه و اعیان اثر تحت تملکشان تقاضای خروج از ثبت بنای تحت تملکشان را داشته‌اند)
- تقاضا جهت خروج از ثبت، جهت رفع محدودیت‌های ایجاد شده برای ملک دیگری که در حریم بنای ثبتی مورد تقاضا قرار گرفته است.
- تقاضا جهت تملک و خرید بنا
- تقاضا جهت دریافت ملک معوض

حسب بررسی تقاضاهای مطرح شده در دادخواست‌های ارائه شده توسط مالکان بناهای موجود در مورد پژوهی شهر تهران و بر اساس گروه‌بندی صورت گرفته توسط نگارندگان، بر این اساس مشخص شد بیشترین تقاضاها مربوط به گروه‌های الف و پ است. مالکان تقاضای خروج از ثبت میراث معماری تحت تملکشان را به دلیل عدم رضایت از حمایت‌ها؛ رسیدگی در امر حفاظت و مرمت از سوی نهاد متولی امر حفاظت از میراث معماری عنوان نموده‌اند.

در این پژوهش، علاوه بر بررسی پرونده‌های قضایی، مالکان بناهای تاریخی ثبت شده‌ای که در شهر تهران با مراجعه به دیوان عدالت اداری به طرح شکایت علیه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری پرداخته بودند، شناسایی شدند و بر اساس محورهای معرفی شده در جدول ۴ مورد بررسی قرار گرفتند. با توجه به اینکه در مجموع ۱۹ بنای تاریخی در مورد پژوهی صورت پذیرفته در شهر تهران مورد توجه بوده‌اند، مخاطبان پژوهش شناسایی شدند و با مراجعه‌های حضوری جهت تکمیل پرسش‌نامه‌های مرتبط اقدام مقتضی صورت پذیرفته است. ۱۲ نفر حاضر به پاسخگویی به سؤالات در این خصوص بوده‌اند؛ لیکن نگرش ۷ نفر از مراجعه‌شوندگان نسبت به موضوع میراث فرهنگی به نحوی بوده است که حتی حاضر به تکمیل پرسش‌نامه نبوده‌اند. این تعداد، معادل ۳۶٪ از کل نفرات مورد نظر را تشکیل می‌دهند.

جدول ۴. جدول فراوانی مخاطب‌هایی که مورد پرسشگری قرار گرفتند

تعداد کل مخاطبان	تعداد افرادی که حکم به ورود شکایت گرفته‌اند	تعداد افرادی که حکم به رد شکایت گرفته‌اند	تعداد افرادی که به سؤالات پاسخ داده‌اند	تعداد افرادی که حاضر به پاسخ نبوده‌اند
۱۹	۱۳	۶	۱۲	۷

جدول ۵. محورهای پرسشگری از مخاطبان

ردیف	محورهای پرسشگری
۱	سنجش میزان شناخت جامعه مرتبط، نسبت به مفهوم میراث ملی
۲	ارزیابی فرآیند شکل‌گیری نگرش در جامعه مرتبط، نسبت به موضوع میراث فرهنگی
۳	سنجش نوع نگرش جامعه مرتبط نسبت به مفهوم میراث ملی
۴	سنجش میزان تأثیرگذاری نوع نگرش نسبت به موضوع حفاظت از میراث معماری
۵	سنجش میزان شناخت جامعه مرتبط، نسبت به نهاد متولی امر حفاظت
۶	ارزیابی تأثیر عملکرد نهاد متولی حفاظت از آثار در نگرش جامعه مرتبط
۷	سنجش نوع نگرش جامعه مرتبط نسبت به نهاد متولی حفاظت
۸	سنجش میزان تأثیرگذاری نظام‌های تشویقی و انگیزشی در نوع نگرش جامعه مرتبط با موضوع میراث فرهنگی
۹	ارزیابی بروز رفتارهای اجتماعی ناشی از نوع نگرش‌های ایجاد شده

در ادامه، فراوانی پاسخ‌های ارائه شده از جانب مخاطبان مصاحبه‌شونده در قالب جدول شماره ۶ ارائه شده است.

جدول ۶. فراوانی پاسخ‌های ارائه شده از جانب مصاحبه‌شوندگان

فراوانی				پرسش
خیلی زیاد	زیاد	متوسط آشنایی جزئی دارم	آشنایی ندارم	
۰٪	۸/۳۳٪	۷۵٪	۱۶/۶۶٪	سنجش میزان شناخت نسبت به آثار تاریخی فرهنگی
۸/۳۳٪	۲۵٪	۱۶/۶۶٪	۵۰٪	نحوه کسب شناخت نسبت به آثار تاریخی و فرهنگی
۵۸/۳۳٪	۲۵٪	۱۶/۶۶٪	۰٪	سنجش اهمیت محافظت از آثار تاریخی و فرهنگی ثبت شده در فهرست آثار ملی در ارتقای هویت فرهنگی کشور
۵۸/۳۳٪	۲۵٪	۸/۳۳٪	۸/۳۳٪	سنجش ضرورت حفاظت از آثار تاریخی، فرهنگی ثبت شده در فهرست آثار ملی
۱۶/۳۳٪	۲۵٪	۱۶/۳۳٪	۴۱/۶۶٪	سنجش میزان تمایل جهت مشارکت در حفاظت و نگهداری از آثار تاریخی و فرهنگی کشور
۸/۳۳٪	۱۶/۶۶٪	۱۶/۶۶٪	۵۸/۳۳٪	سنجش میزان تمایل به مشارکت در حفاظت و نگهداری از بناهای تاریخی
۸/۳۳٪	۵۰٪	۸/۳۳٪	۳۳/۳۳٪	سنجش نقش ثبت شدن بناهای تاریخی در فهرست آثار ملی کشور در محافظت کردن از آن ابنیه
۰٪	۰٪	۲۱/۶۶٪	۵۸/۳۳٪	سنجش میزان مطلوبیت شیوه مواجهه نهادهای متولی حفاظت از میراث معماری، با فرآیند ثبت بنای تحت تملک
۱۶/۶۶٪	۵۰٪	۳۳/۳۳٪	۰٪	دیدگاه و تصمیم مصاحبه‌شوندگان نسبت به ثبت بناهای تاریخی
۰٪	۸/۳۳٪	۳۳/۳۳٪	۵۸/۳۳٪	سنجش میزان بهره‌مندی شخصی مصاحبه‌شوندگان از حمایت‌های دولتی و سازمانی در خصوص رسیدگی به بناهای ثبت شده در فهرست آثار ملی
۸/۳۳٪	۵۸/۳۳٪	۱۶/۶۶٪	۸/۳۳٪	سنجش میزان تأثیر مشوق‌های مالی و سیاست‌های حمایتی دولتی در حفاظت و نگهداری از بناهای ثبت شده
۰٪	۱۶/۶۶٪	۷۵٪	۸/۳۳٪	ارزیابی نحوه اعمال سیاست‌های حمایتی از جانب نهادهای دولتی در حفاظت و نگهداری بناهای ثبت شده
۸/۳۳٪	۵۸/۳۳٪	۲۵٪	۸/۳۳٪	سنجش میزان تأثیر حضور و مشارکت بخش خصوصی و نهادهای مردمی در حفاظت و نگهداری از بناهای تاریخی
۰٪	۱۶/۶۶٪	۶۶/۶۶٪	۱۶/۶۶٪	ارزیابی کلی از عملکرد نهادهای متولی حفاظت، مرمت و نگهداری از بناهای تاریخی ثبتی در فرایند حفاظت
۰٪	۸۳/۳۳٪	۱۶/۶۶٪		سنجش نگرش کلی مالکان نسبت به نهادهای متولی حفاظت از میراث فرهنگی در کشور

در بررسی‌های به عمل آمده در قالب پرسشگری‌های صورت پذیرفته، مشخص گردید بیش از سه چهارم مصاحبه‌شوندگان نسبت به نهادهای متولی حفاظت از میراث معماری نگرش منفی داشته‌اند و به تبع آن با توجه به نگرش منفی احصا شده، تعارض در رفتارها به صورت تخریب آثار تاریخی دور از انتظار نبوده است. بر این اساس، شاکیان درصدد راهی برای ابطال تصمیم سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری جهت دستیابی به خواسته‌هایشان بوده‌اند. از سوی دیگر سه چهارم مصاحبه‌شوندگان نیز در پاسخ به پرسش میزان شناخت شما نسبت به آثار تاریخی - فرهنگی چگونه است، به جزئی بودن میزان شناخت ایشان از موارث فرهنگی و معماری اشاره نموده‌اند. هنگامی که ضعف در شناخت و آگاهی نسبت به موضوع میراث معماری وجود داشته باشد، حساسیت، اهمیت و توجه از جانب جامعه ذی‌نفع نسبت به حفاظت از آثار تاریخی از نیرومندی کافی برخوردار نیست و حتی در شرایطی مشارکت کافی در جهت حفاظت از بناها صورت نخواهد پذیرفت. بدین سبب سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در اولین اقدام جهت حفاظت از میراث معماری، برای ثبت بناهای تحت تملک مردم در فهرست آثار ملی به چالش و مشکلات عدیده برخورد می‌کند. مقاومت مردم در همکاری و مشارکت جهت تهیه اسناد و مدارک لازم پرونده‌های ثبتی، تخریب‌های پنهانی بناها و مراجعه به دیوان عدالت اداری جهت ابطال تصمیم سازمان میراث فرهنگی در به ثبت رسانیدن بنای تحت تملک آنان از بارزترین مصادیق این مسئله است. بخش قابل توجهی از مصاحبه‌شوندگان عملکرد نهادهای متولی حفاظت را ضعیف و یا نامطلوب ارزیابی نموده‌اند و هیچ‌یک از افراد، رضایت کافی از این فرآیند را ابراز ننموده‌اند.

مخاطبان در مورد اقدام به ثبت نمودن بناهای تاریخی توسط سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، این اقدام را عاملی جهت محدود نمودن اختیارات و سلب حقوق افراد می‌دانند. بدیهی است در چنین شرایطی، یعنی ضعف در فراهم کردن زمینه‌های ایجاد شناخت جامعه و حساس نمودن آنان نسبت به موضوع میراث معماری و حفاظت از آن، سازمان‌ها و نهادهای متولی امر حفاظت از این آثار، به موفقیت‌های لازم و کافی در این زمینه دست پیدا نخواهند کرد. از دیگر موارد ناظر بر ضعف در اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به مالکان آثار تاریخی که در دادخواست‌های ارائه شده توسط صاحبان این ابنیه تاریخی نیز عنوان شده است، می‌توان به ضعف در اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی - به‌عنوان نهاد متولی امر حفاظت - به مالکان در فرآیند به ثبت رساندن بنای تحت تملک ایشان اشاره نمود. به‌گونه‌ای که در برخی موارد قاضی پرونده با استناد به این موضوع (عدم اطلاع مالک) به‌عنوان یکی از دلایل صدور حکم، رأی به ابطال تصمیم سازمان میراث فرهنگی صادر نموده و بنای ثبت شده در فهرست آثار ملی از ثبت خارج شده است. با بررسی موارد موجود در مورد پژوهی این پژوهش مشخص گردید که کمبود سیاست‌ها و نظام‌های تشویقی و همچنین ضعف در برنامه‌ریزی‌های متناسب با نیازها و خواسته‌های صواب اجتماعی در عین حفاظت از موارث معماری و شهری در بروز رفتارهای غیرحفاظتی در بین ذی‌نفعان و مالکان آثار تاریخی و بروز تصمیمات آتی آنان تأثیرگذار بوده است. حسب طبقه‌بندی صورت پذیرفته از یافته‌های به‌دست آمده، منشأ بروز تعارض‌های اجتماعی نسبت به ثبت بناهای تاریخی در فهرست آثار ملی به شرح جدول ذیل جمع‌بندی می‌شود.

جدول ۷. جمع‌بندی و طبقه‌بندی یافته‌های حاصل از بررسی‌های صورت پذیرفته

ردیف	عوامل مؤثر در بروز تقاضاهای اجتماعی	منشا (علت) احصا شده
۱	کمبود شناخت و آگاهی اجتماعی نسبت به موضوع میراث فرهنگی	ضعف در فرآیند آموزش و اطلاع‌رسانی چرایی و چگونگی حفاظت
۲	اختلال در یکپارچگی دیدگاه‌های مشترک در تعریف مفاهیم حفاظت و ثبت میراث معماری بین نهاد متولی امر حفاظت و دیگر ذی‌نفعان این آثار	ضعف در فرآیند آموزش و اطلاع‌رسانی چرایی و چگونگی حفاظت
۳	ضعف در آشنایی ذی‌نفعان آثار تاریخی ملی نسبت به وظایف سازمان میراث فرهنگی	ضعف در فرآیند آموزش و اطلاع‌رسانی چرایی و چگونگی حفاظت
۴	ضعف در آگاهی مردم از نحوه حفاظت و نگهداری از میراث معماری ملی	ضعف در فرآیند آموزش و اطلاع‌رسانی چرایی و چگونگی حفاظت
۵	کافی نبودن ضوابط و مقررات مرتبط با موضوع حفاظت از میراث معماری	عدم جامعیت و مانعیت قوانین مرتبط
۶	ضعف در اجرای صحیح قوانین و مقررات مرتبط با موضوع حفاظت و ثبت میراث معماری	عدم جامعیت و مانعیت قوانین مرتبط
۷	ضعف در حمایت و تشویق ذی‌نفعان آثار تاریخی از سوی دستگاه‌ها و نهادهای دولتی مبنی بر حفاظت و نگهداری آثار تاریخی	ضعف در سیاست‌ها و نظام‌های تشویقی
۸	عدم هماهنگی‌های لازم بین دستگاه‌های دولتی متولی امر حفاظت	عدم جامعیت و مانعیت قوانین مرتبط، ضعف در سیاست‌ها و نظام‌های تشویقی
۹	برآورده نشدن تقاضاها، منافع مالی و اقتصادی ذی‌نفعان آثار ملی، در صورت نگهداری و حفاظت از آثار تاریخی مرتبط	کم‌توجهی به نیازها و خواسته‌های اجتماعی
۱۰	کمبود مشارکت مردم و جامعه ذی‌نفع در فرآیند حفاظت و ثبت میراث معماری	ضعف در فرآیند آموزش و اطلاع‌رسانی چرایی و چگونگی حفاظت، کم‌توجهی به نیازها و خواسته‌های اجتماعی
۱۱	وجود نگرش منفی در بین ذی‌نفعان بناهای تاریخی ملی نسبت به موضوع حفاظت و ثبت	ضعف در فرآیند آموزش و اطلاع‌رسانی چرایی و چگونگی حفاظت، کم‌توجهی به نیازها و خواسته‌های اجتماعی

بحث

در فرآیند حفاظت از میراث معماری، نقش جامعه و مردم در پیشبرد آن در مقایسه با سایر موارد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برخی از دارندگان و مالکان بناها (خانه‌ها، سراها، تیمچه‌ها و کاروانسراها و غیره) به منظور تأمین نیازهای امروز، اقدام به از بین بردن میراث معماری و خانه‌های پدری و تخریب و نوسازی آن خواهند نمود. بناهای میراث فرهنگی هر شهری محسوب می‌شوند که در بسیاری از مناطق شهری به عنصری حیاتی تبدیل شده‌اند. سازمان متولی حفاظت از میراث معماری، یکی از راه‌های حفاظت از آنها را ثبت نمودن در فهرست آثار ملی کشور می‌داند. موضوعی که به ذهن تداعی می‌شود این است که سازمان متولی حفاظت از میراث معماری عمدتاً به وجه کالبدی در حفاظت توجه دارد و به ایجاد و تقویت وجه شناختی مرتبط با حفاظت از موارث معماری و شهری در جامعه توجه کافی نمی‌کند. در این زمینه ضرورت توجه به ارتباط جامعه با مقوله میراث معماری و شهری در مقیاس کلان آن حائز اهمیت است، بدین معنی که در شرایطی که افراد نسبت به کلیت موضوع میراث معماری و هم‌پیوندی با حفاظت از ائینه تاریخی - فرهنگی کشور، دیدگاه منفی داشته باشند؛ چنانچه در یک یا چند مورد خاص از مسائل حوزه حفاظت از میراث معماری برنامه‌های جلب نظر‌کننده مردم در دستور کار قرار گیرد، احتمالاً نوع نگرش افراد (حسب زمینه فکری بی‌اعتنا و یا منفی که قبلاً نسبت به کلیت قضیه در اذهان ایشان شکل گرفته) به سادگی تغییر نخواهد کرد و حتی در مقابل تغییر یاد شده مقاومت نموده و گرایش چندانی نشان نخواهد داد (رازقی و دیگران، ۱۳۹۲).

با توجه به اینکه ظرفیت‌های شناختی افراد متفاوت و دارای محدودیت‌هایی است، اغلب خواهند کوشید تلاشی را که صرف شناخت اجتماعی، یعنی شیوه تفسیر و تحلیل اطلاعات درباره جهان اجتماعی و به‌خاطر سپاری آن می‌کنند، کاهش دهند. این امر دقت و درستی نحوه مواجهه ایشان با امور را کاهش

می‌دهد (بارون، دان و نایلا، ۱۳۸۸، ۶۷). چنانچه حفاظت کالبدی از عناصر معماری به‌عنوان امری مستقل یا بیگانه با تعاملات اجتماعی جامعه مرتبط با آن تلقی شود، قطعاً چالش‌های متعددی بروز خواهد کرد. حفاظت فرهنگی - اجتماعی لازمه و پیش‌نیاز حفاظت کالبدی از آثار معماری است. از این طریق است که بینش و انگیزش کافی در مورد امر حفاظت ایجاد می‌شود و تأمین اهداف کلان از فرآیندهای حفاظت و مرمت معماری به‌واسطه توانمندسازی اجتماعی و ظرفیت‌سازی ابنیه در جهت ایفای نقش در زندگی مردم قابل حصول خواهد شد. این امر از نخستین ملزومات تحقق مشارکت‌های اجتماعی در حفاظت از میراث معماری محسوب می‌گردد (Imon, 2005, 19).

عدم تمایل بسیاری از افراد در یک جامعه نسبت به ثبت مایملک معماری ایشان در فهرست آثار ملی در قالب مصادیق عینی متعدد در سال‌های اخیر (یک دهه گذشته) قابل شناسایی است. پرونده‌های قضایی، دادخواست‌ها و تقاضاهای خروج آثار از فهرست ثبت ملی مؤید این مسئله است، به‌نحوی که یکی از پرونده‌های پرچالش میراث معماری که در یک دهه گذشته (۱۳۸۴-۱۳۹۴) در مقیاس دیوان عدالت اداری کشور مطرح گردیده، موضوع تقاضاهای اجتماعی مبنی بر خروج میراث معماری (ابطال تصمیم سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری) از فهرست آثار ملی است. احساس خطر نسبت به بروز محدودیت‌های متعدد برای مالک یا مالکان پس از ثبت اثر در فهرست آثار ملی عاملی مهم در بروز تعارض اجتماعی است. این مسئله در شرایطی است که این نگرانی برای ایشان وجود دارد که نه تنها خدمات ترجیحی و تشویقی مؤثر منتج از فرآیند ثبت اثر به ایشان تعلق نگرفته است، بلکه امکان عمل به حداقل تعهدات سازمان میراث فرهنگی در قبال آثار ثبت شده در فضایی به دور از چالش‌های متعدد نیز محل تردید است. به‌عنوان مثال این جمله که سازمان میراث فرهنگی در قبال بناهای تاریخی ثبت شده هیچ حمایت و عملکردی نداشته و یا اینکه بناهای تاریخی به حال خود رها شده‌اند، بارها از جانب اکثر مالکان این آثار مطرح شده است. بررسی علل یاد شده عموماً از ضرورت بازنگری در ضوابط، قوانین و نحوه مواجهه میراث معماری با موضوع، پیش و پس از ثبت اثر حکایت دارد. لذا به‌طور کلی به‌واسطه نوع عملکرد و برخوردهای موضوعی که جامعه وابسته با موضوع میراث معماری دارد، قالب‌های فکری که در اذهان افراد جامعه شکل می‌گیرد را می‌توان به گروه‌های مثبت، منفی و فاقد نظر تقسیم کرد که البته در بررسی‌های صورت پذیرفته در این تحقیق، مواجهه منفی نسبت به حفاظت از مواریث ملی واجد وزن قابل توجهی بوده است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در پاسخ به سؤال مطرح شده در این مقاله، علل بروز تقاضاهای اجتماعی مبنی بر خروج میراث معماری از فهرست آثار ملی را نشئت گرفته از عوامل زیر می‌داند:

- کمبود شناخت و آگاهی مردم نسبت به موضوع میراث فرهنگی
- کمبود آگاهی مردم از نحوه حفاظت و نگهداری از میراث معماری ملی
- کافی نبودن ضوابط و مقررات مرتبط با موضوع حفاظت از میراث معماری
- به‌روز نبودن قوانین و مقررات حوزه حفاظت و احیای میراث فرهنگی از جهت تشویق و ترغیب ذی‌نفعان
- ضعف در اجرای صحیح قوانین و مقررات مرتبط با موضوع حفاظت و ثبت میراث معماری
- ضعف در حمایت و تشویق مالکان آثار تاریخی از سوی دستگاه‌ها و نهادهای دولتی مبنی بر حفاظت و نگهداری آثار تاریخی تحت تملک آنها

- برآورده نشدن تقاضاها، منافع مالی و اقتصادی مالکان بناهای تاریخی ملی، در صورت نگهداری و حفاظت از آثار تحت تملکشان
 - وجود حالتی از مواجهه منفی در بین مالکان و ذی‌نفعان آثار تاریخی ملی نسبت به موضوع حفاظت و ثبت
 - کمبود منابع جهت تملک بنا و یا اعطای ملک معوض به مالکان خصوصی آثار تاریخی و فرهنگی ثبت شده در فهرست آثار ملی از سوی نهادهای ذی‌ربط
 - فقدان خلاقیت و ابتکار عمل در نوع بهره‌برداری‌های مناسب و متناسب با شأن آثار از طریق مالکان و بهره‌برداران
- بر مبنای نتایج احصا شده، ضمن پذیرش فرضیه‌های پژوهش، موارد قید شده فوق در چهار گروه کلی قابل طبقه‌بندی هستند. (جدول ۸)

جدول ۸. شاخص‌های احصا شده مؤثر در بروز تقاضاهای اجتماعی مالکان بناهای تاریخی در خروج ابنیه از فهرست میراث ملی

ردیف	شاخص‌های اصلی حاصل از طبقه‌بندی و تحلیل یافته‌های پژوهش
۱	تقاضاهای بروز یافته ناشی از ضعف در فرآیند آموزش و اطلاع‌رسانی چرایی و چگونگی حفاظت
۲	تقاضاهای بروز یافته ناشی از کم‌توجهی به نیازها و خواسته‌های اجتماعی ذی‌نفعان و مالکان
۳	تقاضاهای بروز یافته ناشی از عدم جامعیت و مانعیت قوانین مرتبط
۴	تقاضاهای بروز یافته ناشی از ضعف در سیاست‌ها و نظام‌های تشویقی مرتبط

در پایان بر مبنای نتایج حاصل از پژوهش حاضر موارد زیر پیشنهاد می‌گردد. توانمندسازی اجتماعی مبتنی بر آموزش همگانی مرتبط با موضوع حفاظت از میراث فرهنگی صورت پذیرد. قوانین موجود و مرتبط با موضوع، مورد بازنگری قرار گرفته و ارگان‌ها و نهادهای ذی‌ربط به‌ویژه سازمان میراث فرهنگی، وزارت راه و شهرسازی و شهرداری‌ها در برنامه‌های حفاظت از میراث معماری، به‌قدری ظرفیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را برای مالکان خصوصی آثار تاریخی و فرهنگی ملی، فراهم سازند تا ایجاد محدودیت‌هایی که به‌واسطه ثبت آثار، مشمول مالکان خصوصی بناهای تاریخی می‌گردد، منجر به بروز رفتارهایی تعارض‌آمیز و چالش‌برانگیز در مقابله با فرآیندهای حفاظتی نشود. یک برنامه حفاظتی زمانی موفق خواهد بود که از یک سو از جانب مالکان و دارندگان آثار تاریخی در اختیار بخش خصوصی، محدودیت و نیز سلب حقوق مالکانه تلقی نشود و از سویی دیگر جامعه از توانمندی شناختی لازم و کافی در خصوص فرآیند حفاظت از میراث معماری برخوردار بوده، فرصت مشارکت در فرآیند حفاظت، مرمت و احیا برای آن به‌نحو مطلوب میسر شده باشد. وضع موجود حفاظت از میراث فرهنگی کشور نیازمند پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی‌های تخصصی مرتبط با زمینه‌های یادشده فوق است.

پی‌نوشت‌ها

1. ICOMOS
2. Stakeholders

۳. الناس مسلطون علی اموالهم؛ بر اساس این قاعده هرگاه کسی بر مالی از مسیر شرعی و قانونی سلطه یافت کسی نمی تواند او را از انتفاع آن مال بازدارد.

4. Inductive

۵. با توجه به اینکه برخی از تقاضاها و دادخواست‌های ارائه شده توسط مالکان میراث معماری، مرتبط با دو گروه از طبقه‌بندی‌های ارائه شده در این مقاله بوده است، لذا جمع‌نهایی در جدول ۳ بیش از ۱۹ شده است.

فهرست منابع

- ابویی، رضا، و نیک‌زاد، ذات‌الله (۱۳۹۶). حفاظت معماری و نسبت آن با تاریخ معماری، با نگاه به تجربه حفاظت در ایران. *دو فصلنامه معماری ایرانی*، ۱۱، ۱۶۹-۱۸۸.
- بارون، رابرت، دان، بیرن، و نایلا، برنسکامب (۱۳۸۸). *روانشناسی اجتماعی* (مترجم: یوسف کریمی). چاپ دوم، تهران: نشر روان.
- بدار، لوک، دزیل، ژوزه، و لامارش، لوک (۱۳۸۷). *روانشناسی اجتماعی* (مترجم: حمزه گنجی). چاپ ششم، تهران: نشر ساوالان.
- توکلی، احمد (۱۳۹۱). *کامیابی‌ها و ناکامی‌های بازار - دولت، اقتصاد بخش عمومی*. تهران: نشر سمت.
- حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۰). *مسیر پیاده‌گردشگری. مجله هنرهای زیبا*، ۹، ۴۳-۵۱.
- حبیبی، سیدمحسن، و مقصودی، ملیحه (۱۳۸۱). *مرمت شهری*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رازقی، علی‌رضا (۱۳۹۱). *علل بروز تعارض‌های اجتماعی در حفاظت از میراث معماری*. رساله دکتری، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- رازقی، علی‌رضا، پیربائی، محمدتقی، و ندیمی، حمید (۱۳۹۲). *علل بروز تعارض‌های اجتماعی در حفاظت از میراث معماری؛ مطالعه موردی: مجموعه ثبت جهانی گنبد و ارگ سلطانیه. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۱۳، ۴۵-۵۴.
- رضایی، نعیمه، و فرجی، فرناز (۱۳۹۷). *ارزیابی نقش سازمان‌های غیردولتی در حفاظت از میراث معماری و شهری؛ مطالعه تطبیقی ایران و فرانسه*. هویت شهر، ۱۲(۳۳)، ۲۷-۳۶.
- شادنوش، امیرحسن (۱۳۹۲). *بررسی ابعاد حقوقی ثبت آثار تاریخی - فرهنگی در فهرست آثار ملی در پرتو آرای دیوان عدالت اداری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.
- صفایی، سیدحسین (۱۳۸۸). *حقوق مدنی اشخاص و اموال*. چاپ نهم، تهران: نشر میزان.
- فلاح‌فر، سعید (۱۳۹۵). *قانون حفظ آثار ملی و عتیقات ۱۳۰۹*. تهران: انتشارات آوینه.
- قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- محمدی، محمود، بیدرام، رسول، و ناصری اصفهانی، هاجر (۱۳۹۳). *ارزیابی اثربخشی مشوق‌های محرک حفاظت از خانه‌های باارزش تاریخی، مطالعه موردی: بناهای تاریخی شهر اصفهان. فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری*، ۶، ۱-۱۸.
- نشست تخصصی «میراث فرهنگی و مالکیت خصوصی یا منفعت عمومی» در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۲۵، پژوهشگاه قوه قضائیه.
- یوکهلتنو، یوکا (۱۳۸۷). *تاریخ حفاظت معماری* (مترجمان: محمد حسن طالبیان و خشایار بهاری). تهران: روزنه.
- Abdul Rashid, R., & Ahmad, A. G. (2011). Overview of maintenance approaches of historical buildings in kuala lampur-A current practice. *Procedia Engineering*, 20, 424-425.
- Barillet, C., Joffroy, T., Longuet, I. & et al. (2006). *A Guide for African local Governments cultural heritage and local development*. Grenoble: CRATerre- ENSAG/ Convention France- UNESCO.
- Danner, J. C. (1998). TDR- Great idea but questionable value. *The Appraisal Journal*, 65 (2), 133-142.
- Dümcke, C., & Gnedovsky, M. (2013). *The Social and Economic Value of Cultural Heritage*. EENC Paper.

- Ercan, M. A. (2010). Searching for a Balance Between community needs and conservation policies in historic neighborhoods of Istanbul. *European planning studies*, 18(5), 833–859.
- Hegazy, S. M. (2014). Conservation of historical buildings– The omani– French museum as a case study. *Housing and Building National Research Center: HBRC Journal*, 11, 264–274.
- ICOMOS (1987). First Brazilian Seminar about the Preservation and Revitalization of Historic Centers (ICOMOS Brazilian Committee, Itaipava, July 1987).
- Imon, S. S. (2005). *Stakeholder Participation in Cultural Heritage Management*. Hanoi: Asian academy for Heritage Management, 2nd Field School, Viewed 3 December 2011.
- McCleary, R. L. (2005). *Financial Incentives for Historic Preservation: an International View*. USA: University of Pennsylvania.
- Merlin, P., & Choay, F. (2005). *Dictionnaire de l'aménagement*. PUF: Paris.
- Sigmund, Z. (2016). *Sustainability in architectural heritage: review of policies*. DE GRRUYTER OPEN.
- Yung, E. K., Zhang, Q., & Chan, E. (2017). Underliing Social factors for Evaluating Heritage Conservation in Urban Renewal Districts. *Habitat international*, 66, 135–148.

